اقسام حدیث از جنبه دلالت الفاظ در منابع فریقین

عبدالهادی فقهی‌زاده*

مرتضی قاسمی حامد**

چکیده: با تأمّل در روایات معصومان علیهم‌السلام و تصریحات دانشمندان اسلامی، می‌توان حدیث را به گونه‌های: عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ مجمل و مبین؛ ناسخ و منسوخ؛ محکم و متشابه؛ منطوق و مفهوم؛ نص، ظاهر و مؤوّل تقسیم کرد. از این میان، سه قسم عام و خاص، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه به احادیثی از معصومان علیهم‌السلام استناد دارند و سایر اقسام را محقّقان فریقین با تفحّص در انواع احادیث ارائه کرده‌اند. افزون بر اینها اقسام دیگری نیز از احادیث مانند احادیث تقیه‌ای و روایاتی مشتمل بر معانی غیرحقیقی وجود دارند که جداکردن آنها از سایر روایات، از جنبه «دلالت» نیست؛ زیرا در برابر آنها احادیث صریح دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد مراد معصومان علیهم‌السلام چیز

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

Email: Feghhizadeh@gmail.com

**. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

Email: Mor.ghasemihamed@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

دیگری غیر از ظاهر آنهاست و از این‌رو، ما آنها را در این تقسیم‌بندی ننهاده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: عام و خاص / مطلق و مقید / مجمل و مبین / ناسخ و منسوخ / محکم و متشابه / منطوق و مفهوم / نص، ظاهر و مؤوّل / دلالت الفاظ و منابع فریقین.

طرح مسئله

در دورهٔ متقدمان، تنها برخی مؤلفان کتب حدیثی، به اقسام حدیث از جنبهٔ دلالت الفاظ، اشاره‌هایی دارند. در دوره‌های بعد، در برخی کتابهای مصطلح الحدیث، اندکی بیشتر به آن پرداخته شده است. امّا امروزه مؤلفان معاصر نسبت به شناسایی اقسام حدیث از جنبهٔ دلالت کاوشهایی کرده‌اند. این کاوشها در میان شیعیان بیشتر از اهل سنّت بوده است. اهل سنّت تنها دو قسم از اقسام حدیث از جنبه دلالت را یعنی محکم و ناسخ و منسوخ معرفی کرده و متعرّض حدیث متشابه که در مقابل حدیث محکم قرار دارد نیز نشده‌اند. در مقابل شیعیان براساس احادیثی از امام علی، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام دربارهٔ وجود عام و خاص، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در روایات، عملاً به شناسایی انواع احادیث از نظر دلالت سوق داده شده‌اند. در میان اهل سنّت نیز در تأیید وجود ناسخ و منسوخ در روایات، حدیثی نبوی نقل شده که در مقابل تعدّد روایات شیعه در این زمینه نادر است. در شیعه این بررسیها از زمانی شروع شد که موضوع تعارض بین احادیث مطرح گردید و بسیاری از مسلمانان در شناسایی احادیث صحیح دچار مشکل شدند. از این‌رو، بزرگانی مانند شیخ طوسی برای حلّ این مشکل اقدام نمودند و مشخص کردند که بسیاری از تعارضها ظاهری و به دلیل اقتضائات زبان عربی است و بر این اساس، برای فهم صحیح آنها باید این‌گونه احادیث را شناخت. در عین حال، احادیث تقیه‌ای و روایات مشتمل بر مفاهیم مجازی، در زمرهٔ اقسام حدیث از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

نظر دلالت نیستند؛ زیرا احادیث تقیه‌ای در مقابل احادیث غیرتقیه‌ای قرار می‌گیرند و کنار گذاشته می‌شوند؛ چنان‌که در مقابل احادیث وارد بر سبیل مجاز احادیثی صریح وجود دارد که ما را از عمل آنها بازمی‌دارد. این‌گونه احادیث در زمرهٔ احادیث متعارض قرار دارند و از این‌رو، به فهم حدیث از جنبهٔ دلالت مربوط نمی‌شوند. به هرحال، در مقالهٔ حاضر اقسامی از احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرند که به اقتضای زبان عربی و برخی مسائل مربوط به تشریع در متن آنها دگرگونی‌هایی پدید آمده و در آنها در زمانها و مکانهای گوناگون به اشکال متفاوت سخن رفته است؛ بنابراین ضمن برشمردن مهم‌ترین انواع حدیث از جنبهٔ دلالت براساس منابع فریقین، بر آنیم شاخصه‌های هرکدام را همراه با نمونه‌هایی از آنها بیان کنیم.

اقسام حدیث از جنبهٔ دلالت الفاظ

۱. عام و خاص

عام لفظی است که کلیه افراد و مصادیق قابل انطباق خود را شامل می‌شود و خاص برخلاف عام لفظی است که فقط بعضی از افراد و مصادیق قابل انطباق خود را دربر می‌گیرد (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۵۱۱؛ آخوند خراسانی، ص ۲۱۷ ـ ۲۱۵؛ منتظری، ص ۳۱۶؛ بروجردی، ص ۱۵۷؛ دلبری، ص ۲۱۴ و ۲۱۵) یعنی دلیل خاص قوی‌تر است و موجب می‌شود دلیل عام را کنار بگذاریم و صرفاً به آن عمل کنیم. (نک: مشکینی، ص ۲۳۴) مخصص عبارت از قید، صفت یا عبارتی است که دایرهٔ شمول عام را محدود می‌سازد (محقق داماد، ج ۱، ص ۱۳۷).

سلیم‌بن قیس هلالی نقل می‌کند که به امام علی علیه‌السلام عرض کردم:

«إنّی سمعت من سلمان و المقداد و أبی ذرّ شیئاً من تفسیر القرآن و أحادِیثَ عن نبی الله صلی‌الله‌علیه‌وآله غیر ما فی أیدی الناس، ثم سمعت منك تصدیق ما سمعت منهم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

و رأیت فی أیدی الناس أشیاء کثیرة من تفسیر القرآن و من الأحادیث عن نبی الله ﷺ أنتم تخالفونهم فیها و تزعمون أن ذلك کله باطل. أفتری الناس یکذبون علی رسول الله ﷺ متعمّدین و یفسرون القرآن بآرائهم؟ قال فأقبل علیّ فقال: «قد سألتَ فافهم الجواب: إن فی أیدی الناس حقاً و باطلاً و صدقاً و کذباً و ناسخاً و منسوخاً و عاماً و خاصاً و محکماً و متشابهاً و حفظاً و وهماً ...» (کلینی، ج ۱، ص ۶۲؛ شریف رضی، خطبه ۲۱۰)

من از سلمان و مقداد و ابوذر مطالبی در تفسیر قرآن و احادیث پیامبر شنیدم غیر از آنچه در دست مردم است؛ سپس از شما چیزی را شنیدم که آنچه را از آنان شنیده بودم تصدیق می‌کرد؛ چنان‌که دیدم در دست مردم چیزهای زیادی از تفسیر قرآن و احادیث پیامبر را که شما با آنها مخالفت می‌کنید و آنها را باطل می‌شمارید؛ آیا مردم به عمد بر رسول خدا دروغ بسته‌اند و قرآن را به آراء خودشان تفسیر کرده‌اند؟ امام علی علیه‌السلام به من رو کرد و فرمود: سؤال کردی پس جواب آن را دریاب؛ همانا در دست مردم حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه و حفظ و وهم، وجود دارد ... .

نمونه‌ای از احادیث عام و خاص

۱. عن یحیی بن أبی العلاء، عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال:

«الصائم فی السفر فی شهر رمضان کالفطر فیه فی الحضر ...» (کلینی، ج ۴، ص ۱۲۷)

روزه‌دار در سفر در ماه رمضان مانند افطار کننده در آن است در حالت استقرار.

۲. محمّدبن مسلم عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال:

«إذا سافر الرجل فی شهر رمضان فخرج بعد نصف النهار فعلیه صیام ذلك الیوم» (همو، ج ۴، ص ۱۳۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

هرگاه کسی در ماه رمضان مسافرت کند و بعدازظهر خارج شود، بر او روزهٔ آن روز واجب است.

حدیث دوم بر حرمت افطار و وجوب روزه بر مسافری که بعدازظهر از وطن خارج شده، دلالت دارد و حدیث اول را تخصیص زده است. (نک: احسانی‌فر لنگرودی، ص ۱۷۳) بنابراین حدیث اوّل به طور عام روزه را بر شخص مسافر حرام می‌کند؛ حال آنکه حدیث دوم مسافری را که بعدازظهر سفر کند از این عام خارج کرده است.

۲. مطلق و مقید

مطلق لفظی است که قابلیت دلالت بر تمامی افراد جنس خود را داشته باشد؛ یعنی افرادی که می‌توانند تحت آن لفظ قرار گیرند و معنای آن نسبت به همه حالتهای لفظ فراگیر است و مقید لفظی است که این اطلاق را محدود کند. (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۵۶۳؛ آخوند خراسانی، ص ۲۴۳؛ مشکینی، ص ۲۴۶؛ احسانی‌فر لنگرودی، ص ۱۸۴؛ دلبری، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) تفاوت عام و مطلق نیز در آن است که دلالت عام بر افراد، بالوضع است ولی دلالت مطلق بر افراد و مصادیقش نه بالوضع، بلکه بالعقل است؛ یعنی در عام با توجه به ساختمان جمله، لفظ و ادوات ملفوظ، شمول و سرایت به افراد و مصادیق تحت عام استنباط می‌شود؛ مانند: «همهٔ علما را احترام کنید» ولی در اطلاق این‌گونه نیست؛ مانند: «عالم را احترام کنید» که در آن هیچ‌گونه لفظی از ادوات عموم وجود ندارد. (محقق داماد، ج ۱، ص ۱۷۱) در عین حال، برای احراز مطلق، باید شرایطی فراهم باشد که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط در ذهن، از لفظ اطلاق را برداشت می‌کند. این شرایط را مقدمات حکمت گویند و عبارتند از آنکه: ۱ـ گوینده حکیم باشد؛ ۲ـ گوینده در مقام بیان باشد؛ ۳ـ قرینه‌ای دال بر تقیید وجود نداشته باشد. (نک: همو، ج ۱، ص ۱۷۵ ـ ۱۷۲) نکتهٔ دیگر آنکه حمل مطلق بر مقید تنها زمانی انجام می‌شود که میان آن دو، به‌گونه‌ای تنافی و ناسازگاری باشد. (همو، ج ۱، ص ۱۷۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

نمونه‌ای از احادیث مطلق و مقید

۱. **«إیّاک و کثرة الکلام فإنّه یکثر الزّلل و یورث المـلل»** (تـمیمی آمـدی، ص ۲۱۲)

از پرگویی بپرهیز؛ زیرا لغزش را زیاد می‌کند و خستگی به بار می‌آورد.

۲. **عن عمرو بن جمیع عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام قال: کان المسیح علیه‌السلام یـقول: «لا تکثروا فی غیر ذکر الله فإنّ الذین یکثرون الکلام فی غیر ذکر الله قاسیة قلوبهم و لکن لایعلمون»** (کلینی، ج ۲، ص ۱۱۴)

جز در ذکر خدا پرگویی نکنید؛ زیرا کسانی که در غیر ذکر خـدا پـرگویی می‌کنند قلبهایشان سخت است ولی خود نمی‌دانند.

حدیث اوّل از پرگویی به طور مطلق منع می‌کند، ولی حدیث دوم حدیث اوّل را قید زده، پرگویی در ذکر خدا را از دایرهٔ اطلاق خارج کرده است.

۳. مجمل و مبین

مجمل لفظی است که دلالت آن بر مقصود، ظاهر و روشن نیست و بر معنایی که برای آن وضع شده دلالت نـدارد. (نک: آخـوند خـراسـانی، ص ۲۵۲؛ اسـترآبـادی، ص ۴۵۴؛ مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۷) اگرچه ممکن است درگذشته یا نزد گروهی خاص روشن بوده باشد. (نک: مشکینی، ۲۳۳) دلالت مبین برخلاف مجمل بر مقصود گوینده واضـح و روشـن است (نک: آخـوند خـراسـانی، ص ۲۵۲؛ اسـترآبـادی، ص ۴۵۴؛ مـامقانی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ مشکینی، ص ۲۳۳) مبیّن را مفصّل نیز گفته‌اند. مبین، مجمل را از ابهام خارج می‌کند و معنای آن را روشن می‌سازد؛ چنان‌که اجمال و تبیین در کلام شخصی واحد ممکن است رخ دهد. (نک: محقق داماد، ج ۱، ص ۱۸۳؛ دلبری، ص ۲۱۹)

علل اجمال در روایات در یک دسته‌بندی کلّی دوگونه‌اند: علل ذاتی یا طبیعی و علل عرضی یا عارضی. علل ذاتی یا طبیعی عللی است که ریشه در خود روایات دارد و از خارج روایات بر آنها عارض نشده باشد، مانند: اشتراک لفظی و اختلاف

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

افهام مخاطبان، و مقصود از علل عرضی یا عارضی عللی است که ریشه‌ای در روایات ندارد، بلکه در شرایطی این علل از خارج از روایات بر آنها تحمیل و به اجمال آنها منجر شده‌اند، مانند: نقل به معنی در حدیث و تقطیع نامناسب حدیث.(نک: معارف، ص ۶۵ ـ ۴۶)

نمونه‌ای از احادیث مجمل و مبین

۱. **عن عبدالحمیدبن ابی‌العلاء الازدیّ قال: «سمعت اباعبدالله علیه‌السلام یقول: «انّ الله عزّوجل فرض علی خلقه خمساً فرخّص فی اربع و لم یرخص فی واحدة»** (کلینی، ج ۲، ص ۲۲)

خداوند عزوجل پنج امر را بر مخلوقات واجب کرد، در چهار مورد رخصت داد و در یک مورد رخصت نداد.

۲. **عن ابی‌جعفر [الباقر] علیه‌السلام قال: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولایة، و لم یناد بشیء کما نودی بالولایة»** (همو، ج ۲، ص ۱۸)

اسلام بر پنج رکن بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و به چیزی همچون ولایت فرا نخوانده‌اند.

بر این اساس، معلوم می‌شود که واجبات پنج‌گانه عبارتند از: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت؛ چنان‌که مطابق احادیث فوق هیچ امری در شریعت مانند ولایت توصیه نشده و شارع در بی‌اعتنایی به ولایت هرگز رخصتی قائل نشده است. (نک: فتاحی‌زاده، ص ۱۶۲ و ۱۶۳) بنابراین حدیث دوم با وجود قدمت زمانی نسبت به حدیث اوّل، مبین به شمار می‌رود و اجمال حدیث اوّل را برطرف می‌کند؛ زیرا مراد امام را از پنج مورد بیان و مورد رخصت را مشخص می‌کند.

۴. ناسخ و منسوخ

نسخ عبارت است از رفع حکم شرعی سابق با تشریع حکم متأخر؛ حکم متأخر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

را ناسخ و حکم سابق را منسوخ گویند. (نک: شهید ثانی، ص ۱۲۷؛ مامقانی، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۷۷؛ ابن‌صلاح، ص ۳۸۱؛ صبحی صالح، ص ۸۸؛ عتر، ص ۳۲۵) به عبارت دیگر نسخ به معنای تخصیص زمانی است؛ یعنی امر ثابتی در شریعت مقدّس با گذشت دوره و زمان خاصّ خود رفع می‌شود و حکم جدیدی جای آن را می‌گیرد. در این حالت، حکم شرعی اوّل بر حسب ظاهر اقتضای دوام دارد، ولی حکم متأخّر پرده از انتهای دوره و زمان اعتبار آن برمی‌دارد و ظهور بدوی حکم سابق در جاودانگی را از میان می‌برد. (نک: خویی، ج ۵، ص ۳۲۸؛ عسکری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ احسانی‌فر لنگرودی، ص ۲۵۶؛ مسعودی، ص ۱۹۶) طبیعی است که وقوع نسخ صرفاً در زمانی است که دو امر (ناسخ و منسوخ) را به هیچ روی نتوان باهم جمع کرد. (نک: معرفت، ج ۲، ص ۲۶۷)

در تأیید وقوع نسخ حدیث با حدیث، احادیثی وجود دارد؛ از جمله:

۱. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «**إن احادیثی ینسخ بعضها بعضاً کنسخ القرآن**» (ابن‌شاهین، ص ۳۵)؛ *بعضی از احادیث من بعضی دیگر را نسخ می‌کند؛ [درست] مانند نسخ قرآن.*

۲. محمّدبن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

> **قلت له: ما بال اقوام یروون عن فلان و فلان عن رسول الله صلی الله علیه و آله لا یتّهمون بالکذب فیجیء منکم خلافه به. قال: «إنّ الحدیث ینسخ کما ینسخ القرآن»**
>
> (کلینی، ج ۱، ص ۶۴)
>
> *محمّدبن مسلم می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه است که اقوامی احادیثی را از فلان و فلان از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند در حالی‌که متهم به کذب نیستند و از شما خلاف آن می‌رسد، فرمود: حدیث نیز مانند آیه نسخ می‌گردد.*[1]

با این همه، مثالهای قابل اثبات در نسخ بسیار اندک است و مواردی را که در آنها

۱. از منصوربن حزم نیز مشابه این روایت نقل شده است. (نک: کلینی، ج ۱، ص ۶۵). دو حدیث امام علی علیه السلام که در بخش عام و خاص ذکر شد نیز تأیید کنندهٔ وجود نسخ در روایات هستند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

ادعای نسخ شده، بیشتر فقهای شیعه نپذیرفته‌اند (مسعودی، ص ۱۹۷)؛ زیرا تا آنجا که امکان جمع بین دو روایت وجود دارد، قول به نسخ صحیح نیست؛ نکتهٔ دیگر آنکه علمای شیعه در مواردی وجود نسخ را در احادیث پیامبرﷺ پذیرفته‌اند، امّا در احادیث ائمّه‌علیهم‌السلام، موارد آن چندان قابل اثبات نیست؛ زیرا احادیث ائمّه‌علیهم‌السلام را کاشف از وقوع نسخ در احادیث پیامبر اکرمﷺ برمی‌شمارند.[1] (نک: کلانتری، ص ۵۱ـ ۳۸)

نمونه‌هایی از احادیث ناسخ و منسوخ

۱. **محمّد بن مسلم عن ابی‌عبدالله‌علیه‌السلام قال: سألته عن إخراج لحوم الأضاحی من منی، فقال: «کنّا نقول لا یخرج منها شیء لحاجة الناس الیه، فأمّا الیوم فقد کثر النّاس فلا بأس بإخراجه»** (کلینی، ج ۴، ص ۵۰۰)

محمّدبن مسلم می‌گوید: از امام صادق‌علیه‌السلام دربارهٔ خارج کردن گوشتهای قربانی از منی پرسیدم، فرمود: قبلاً می‌گفتیم که چیزی از آنها به سبب نیاز مردم به آن، خارج نشود؛ امّا امروز که مردم زیاد شده‌اند، اشکالی در خارج کردن آنها نیست.

۲. **قال رسول الله ﷺ: «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها ...»** (مسلم، ج ۳، ص ۶۵)

شما را از زیارت قبرها منع کردم [امّا اکنون] آنها را زیارت کنید ... .

این دو حدیث، از وجود حکمی در سابق و نسخ آن در مقطع زمانی دیگر خبر می‌دهند. (مسعودی، ص ۱۹۷. جهت اطلاع از نمونه‌های دیگر نک: مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ ابی‌داود، ج ۱، ص ۹۸، ۷۲۲ و ۷۲۳؛ ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۳۷؛ سیوطی، **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**، ج

۱. می‌توان گفت که رابطهٔ نسخ بین دو حدیث با شرایطی همراه است که اهمّ آن از این قرار است: الف) تعارض دو حدیث در حدّی باشد که راهی به جمع آنها در دست نباشد. ب) صدور هر دو حدیث از معصوم‌علیه‌السلام مسلّم گردد. ج) تقدّم زمانی صدور منسوخ بر حدیث ناسخ، معلوم و توأم با اطمینان باشد. (معارف، ص ۲۲۶ و ۲۲۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

۲، ص ۱۹۲)

۵. محکم و متشابه

حدیث بدون معارض را که معنای راجحی داشته باشد و در آن احتمال دیگری نرود، محکم گویند. (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱؛ مامقانی، ج ۱، ص ۲۸۴) در مقابل به حدیثی که مقصود آن به دلیل مشابهت با غیر خود، مشکل است، متشابه گویند؛ یعنی علاوه بر معنای ظاهری احتمال معنای دیگری در آن وجود دارد و در این میان وجه راجحی نیست. (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ احسانی‌فر لنگرودی، ص ۲۷۴) نکتهٔ مهم آنکه علمای اهل سنّت، از حدیث متشابه که در مقابل حدیث محکم قرار دارد، تعریفی ارائه نکرده‌اند. (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱)

در روایات معصومان علیهم‌السلام، دربارهٔ روایات متشابه، دو نکته وجود دارد: ۱ـ تذکّر به تأویل پذیری روایات خصوصاً روایات متشابه و تنبّه به سوء استفادهٔ احتمالی از معانی انحرافی آنها ۲ـ ضرورت ارجاع احادیث متشابه به احادیث محکم؛ زیرا احادیث محکم اساس تعالیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام را تشکیل می‌دهند. (نک: معارف، ص ۵۰)

از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است:

«من ردّ متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم» ثم قال: «إنّ فی اخبارنا متشابهاً کمتشابه القرآن، و محکماً کمحکم القرآن فردّوا متشابهها إلی محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا» (ابن‌بابویه، **عیون اخبارالرضا** علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۹۰)

هرکس متشابه قرآن را به سوی محکم آن برگرداند، به صراط مستقیم هدایت شده است؛ سپس فرمود: در اخبار ما متشابه وجود دارد مانند متشابه قرآن و محکم وجود دارد مانند محکم قرآن؛ پس متشابه آن را به محکم آن برگردانید و از حدیث متشابه بدون توجه به محکم آن، پیروی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

مکنید.[1]

نمونه‌هایی از احادیث محکم و متشابه

۱. **قال الصادق**علیه‌السلام: «**کل ماء طاهر الا ما علمت أنه قذر**». (همان، ج ۱، ص ۵)
هر آبی پاک است مگر آنچه خود بدانی نجس است.

این حدیث محکم است، چون تنها یک معنا از آن برداشت می‌شود و محتمل معنای دیگر نیست.

۲. **قال الصادق**علیه‌السلام: «**الماء یطهّر و لا یطهّر**» (همان؛ مجلسی، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول**، ج ۱۳، ص ۴)
آب پاک می‌کند و پاک نمی‌شود.

این حدیث متشابه است، چون علاوه بر معنای ظاهری احتمال معنای دیگری نیز در آن وجود دارد. (نک: ربانی، ص ۱۴۰)

۳. **عن ابی‌المليح عن ابیه قال رسول الله**صلی‌الله‌علیه‌وآله: «**لاتقبل صلاة بغیر طهور و لاصدقة من غلول**» (نسائی، ج ۱، ص ۸۰)
نماز در غیر پاکی و صدقه از روی بدخواهی پذیرفته نمی‌شوند.

این حدیث به گفتهٔ اهل‌سنّت، حدیث محکمی است و معارضی ندارد (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱)، امّا آنها در مقابل این حدیث، از حدیث متشابهی نام نبرده‌اند.

۶. منطوق و مفهوم

منطوق، مدلولی است که از الفاظِ صریح متن به دست می‌آید و مفهوم، مدلولی که در کلام نیست و از آن استنباط می‌شود. (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۴۵۶ به بعد؛ آخوند خراسانی، ص ۱۹۳ به بعد؛ محقق داماد، ج ۱، ص ۱۱۵) غالب روایات هم منطوق دارند و

۱. دو حدیث امام علی‌علیه‌السلام که در بخش عام و خاص ذکر شد، نیز می‌توانند تأیید کنندهٔ وجود محکم و متشابه در احادیث باشند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

هم مفهوم؛ در مقابل دستهٔ کمی از روایات هستند که مفهوم ندارند؛ یعنی «مفهوم» آنها معتبر نیست و نباید به آنها عمل کرد.[1]

نمونه‌هایی از احادیث منطوق و مفهوم

۱. **قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «کل شیء یجترّ فسؤره حلال و لعابه حلال»**

(مجلسی، **لوامع صاحبقرانی**، ج ۱، ص ۲۱۷)

هر حیوانی که نشخوار کند، بازماندهٔ نشخوارش حلال است و آب دهانش نیز حلال.

مجلسی اوّل بعد از ذکر این حدیث می‌گوید: «و شکی نیست در منطوق حدیث، امّا مفهوم حدیث دلالت می‌کند که هر حیوانی که نشخوار نکند سؤرش حلال نیست، و لعابش حلال نیست، و به این مفهوم عمل کرده‌اند بعضی از علما، و این قول ضعیف است زیرا که دلالتِ مفهوم، ضعیف است خصوصاً مفهومِ صفت[2] ...».

(همو، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۱۸)

۲. **و قد روی فی الجبائر عن ابی‌عبدالله صلوات الله علیه أنّهُ قال: «یغسل ما حولها»** (همو، ج ۱، ص ۴۳۰)

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است در مورد پارچه‌ای که بر روی زخم نهند، که [به هنگام وضو] اطراف آن را باید شست.

مجلسی اوّل بعد از ذکر این حدیث می‌گوید: «... ولیکن در احادیث حسنه کالصحیح از آن حضرت صلوات الله علیه وارد است که مسح بر خرقه بکشد. و میان این دو حکم منافاتی نیست مگر من حیث المفهوم، چون در جواب همین را

۱. مفهوم به دو شرط حجت است: ۱) آنچه یاد شده به صورت غالب نباشد ۲) موافق واقع نباشد (سیوطی، **الاتقان فی علوم القرآن**، ج ۲، ص ۱۹).

۲. مفهوم صفت، نعت یا حال یا ظرف یا تمییز است (همان)؛ یعنی مفهوم صفت اعم از نعت و غیر نعت است (مظفر، ج ۱، ص ۱۲۰). باید توجه داشت که صفت زمانی دارای مفهوم است که قرینهٔ خاصی بر مفهوم باشد و اگر قرینه نباشد، مفهوم ندارد. (همو، ج ۱، ص ۱۲۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

فرمودند. اگر مسح بر خرقه در کار می‌بود البته می‌فرمودند، ولیکن منطوق مقدم است بر مفهوم و هیچ شک نیست که احوط مسح کشیدن است». (همو، ج ۱، ص ۴۳۰ و ۴۳۱)

۷. نص، ظاهر و مؤوّل

نص لفظی است که دلالتش بر مقصود راجح و صریح است و معارض قوی یا مثل خود نداشته باشد (استرآبادی، ص ۴۵۴) و معنای دیگری از آن افاده نشود. ظاهر لفظی است که دلالتش بر معنا ظنی و راجح باشد و احتمال معنای دیگری نیز در آن وجود دارد (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ مشکینی، ص ۲۳۳) و مؤوّل[1] لفظی است که به دلیل عقلی یا نقلی بر معنای مرجوح آن حمل می‌شود. (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۷) به عبارت دیگر مؤوّل لفظی است که ظاهرش مخالف دلیل قطعی و مثل آن است، لذا از ظاهر خود به معنای دیگر انصراف می‌یابد. (استرآبادی، ص ۴۵۴)

نمونه‌هایی از احادیث نص، ظاهر و مؤوّل

۱. **عن محمّد بن مسلم قال: سمعت اباعبدالله علیه‌السلام یقول: «إنّ الغلام إذا حضره الموت فأوصی و لم یدرک جازت وصیته لذوی الأرحام و ...»** (کلینی، ج ۷، ص ۲۸)

اگر پسر غیربالغ مرگش فرا رسد و وصیت کند، وصیتش نسبت به خویشاوندانش جایز است و ... .

۲. **عن ربعی بن عبدالله عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال: «إذا مات الرجل فللأکبر من ولده سیفه و مصحفه و خاتمه و درعه»** (همو، ج ۷، ص ۸۶)

---

۱. واژهٔ «تأویل» از «أول» است؛ یعنی رجوع به اصل ... . «تأویل» رساندن چیزی به سوی مقصودی است که چه از راه علم و چه از راه عمل اراده شده است (راغب اصفهانی، ص ۹۹)؛ (مؤوّل) نیز از همین ریشه و همان واژه‌ای است که تأویل در آن رخ داده است و تقصیر کرده است که آن را در اول وقت بجا نیاورده است پس قضا می‌کند آن رکعت را در ضمن سه رکعت والله تعالی یعلم» (همان).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

هنگامی که شخصی بمیرد، پس شمشیر و کتاب و انگشتر و ردایش متعلق به پسر بزرگش است.

این دو روایت نصّ در مقصود هستند؛ چراکه احتمال دیگری در آنها وجود ندارد.

۳. **عن الحلبی عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام فی حدیث قال: «... فإن جاء لها طالب و الا فهی کسبیل ماله»** (حرّعاملی، ج ۱۷، ص ۳۴۹)

... پس اگر طالب آن مال آمد، برگردانده می‌شود و در غیر این صورت در ملک شخص یابنده قرار می‌گیرد.

این روایت نصّ در مقصود نیست، بلکه ظاهر در مقصود است و احتمال دیگری نیز در آن وجود دارد. (ربانی، ص ۱۴۸)

۴. **«فان صلت المرأة من الظهر رکعتین ثم رأت الدم قامت من مجلسها و لیس علیها اذا طهرت قضاء رکعتین ...»** (مجلسی، **لوامع صاحبقرانی**، ج ۱، ص ۶۴۳)

اگر زن دو رکعت نماز ظهر بگزارد و خون حیض بیاید، [باید] برخیزد از آنجا و وقتی پاک شود قضای این دو رکعت بر او لازم نیست ... .

مجلسی اوّل می‌گوید: «اکثر علما به این حدیث عمل نکرده‌اند و تأویل کردند که این در صورتی است که نماز ظهر را در اول وقت بجا آورده باشد و هرگاه در اثنا خون ببیند کاشف می‌آید که نماز ظهر بر او واجب نبوده است و نماز شام را بعد از گذشتن مقدار یک رکعت شروع کرده باشد کاشف آید که مقدار سه رکعت داشته است.»

نتایج

۱. در منابع فریقین، هفت قسم حدیث از جنبهٔ دلالت وجود دارند که عبارتند از: عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ مجمل و مبین؛ ناسخ و منسوخ؛ محکم و متشابه؛

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

منطوق و مفهوم؛ نص، ظاهر و مؤوّل.

۲. اقسام حدیث از جنبهٔ دلالت، بنا به اقتضائات زبان عربی در احادیث به وجود آمده‌اند و از دایرهٔ تعارض اخبار خارجند؛ به جز نسخ که علّت آن در صورت اثبات، برخی مسائل تشریعی است.

۳. خاص در جهت تبیین عام، مقیّد در جهت تبیین مطلق، مبیّن در جهت تبیین مجمل و محکم در جهت تبیین متشابه قرار دارد؛ حال آنکه ناسخ در جهت کنار گذاشتن منسوخ حرکت می‌کند؛ چنان‌که دیگر نباید به حدیث منسوخ عمل کرد و حدیث ناسخ در حقیقت، جایگزین حدیث منسوخ می‌گردد؛ با این همه منطوق و مفهوم در یک روایت مصداق می‌یابند در عین آنکه روایاتی وجود دارند که «مفهوم» ندارند، امّا سه اصطلاح نص، ظاهر و مؤوّل حالات گوناگون ظهور معنا از روایاتند و به صورت مستقل مطرحند و باید به وسیلهٔ قرائن به نص، ظاهر یا مؤوّل بودن حدیث پی‌برد و این سه اصطلاح مبیّن یکدیگر نیستند.

۴. در منابع حدیث شیعه، در تأیید وجود عام و خاص، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه در احادیث، روایاتی از امام علی، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام نقل شده و در منابع حدیث اهل سنّت نیز در تأیید وجود ناسخ و منسوخ روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است؛ امّا اقسام دیگر را دانشمندان فریقین با تفحّص در انواع احادیث به دست آورده‌اند.

۵. علمای اهل سنّت ضمن بیان وجود روایات محکم در منابع حدیثی، متعرّض روایات متشابه نشده‌اند؛ در عین حال، وقوع نسخ در روایات را پذیرفته‌اند و از این‌رو به معرفی روایات ناسخ و منسوخ نیز پرداخته‌اند؛ حال آنکه علمای شیعه با استفاده از روایات معصومان علیهم‌السلام، هر هفت قسم از احادیث از جنبه دلالت را معرفی کرده‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

منابع

۱. آخوند خراسانی. **کفایة الاصول**. قم: مؤسسة آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.

۲. ابن‌بابویه قمی، ابی‌جعفر محمّدبن علی‌بن حسین. **عیون اخبار الرضا**علیه‌السلام. تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

۳. ـــــــــــــــــــــ **من لا یحضره الفقیه**. تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۶ ق.

۴. ابن‌صلاح، ابی‌عمرو عثمان‌بن عبدالرحمن شهرزوری. **معرفة انواع علم الحدیث**. تحقیق و تخریج احادیث و تعلیق: عبداللطیف همیم و ماهر یاسین فحل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.

۵. ابن‌ماجه، ابی‌عبدالله محمّدبن یزید قزوینی. **سنن ابن‌ماجه**. تحقیق و تعلیق: محمّد فؤاد عبدالباقی، دارالکتاب المصری، قاهره؛ دارالکتاب اللبنانی، بیروت.

۶. ابن‌شاهین، ابوحفص عمربن احمد. **الناسخ و المنسوخ من الحدیث**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

۷. ابی‌داود، سلیمان‌بن اشعث سجستانی. **سنن ابی‌داود**. تحقیق: کمال یوسف حوت، بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۹ ق.

۸. احسانی‌فر لنگرودی، محمّد. **اسباب اختلاف الحدیث**. قم: دارالحدیث، ۱۴۲۸ ق.

۹. استرآبادی، محمّد جعفر شریعتمدار. **لب اللباب**. قم: مؤسسة دارالحدیث الثقافیة، چاپ شده ضمن مجموعه «میراث حدیث شیعه» در دفتر دوم، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. بروجردی، سیّد حسین. **تقریرات فی اصول الفقه**. تقریر اشتهاردی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد. **تصنیف غررالحکم و دررالکلم**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶ ش.

۱۲. حرّعاملی. **وسائل الشیعه**. تحقیق و تصحیح و تذییل: محمّد رازی، تعلیق: ابوالحسن شعرانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۳. خویی، سیّد ابوالقاسم. **محاضرات فی اصول الفقه**. تقریر فیاض، قم: مؤسسة النشر الاسلامی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

۱۴۱۹ق.

۱۴. دلبری، علی. **مبانی رفع تعارض اخبار از دیدگاه شیخ طوسی رحمه الله در استبصار**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶ ش.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمّد. **مفردات الفاظ القرآن**. تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.

۱۶. ربانی، محمّدحسن. **دانش درایة الحدیث**. همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.

۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. **الاتقان فی علوم القرآن**. تحقیق: فوّاز احمد زمرلی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۹ ق.

۱۸. ــــــــــــــــ. **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**. تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، ریاض: مکتبة الریاض الحدیثة.

۱۹. شریف رضی. **نهج البلاغه**. صبحی صالح، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۴ ق.

۲۰. شهید ثانی. **الرعایة فی علم الدرایة**. تحقیق: عبدالحسین محمّدعلی بقال، قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.

۲۱. صبحی صالح. **علوم حدیث و اصطلاحات آن**. ترجمه و تحقیق: عادل نادرعلی، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ ش.

۲۲. عتر، نورالدین. **منهج النقد فی علوم الحدیث**. دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.

۲۳. عسکری، سیّد مرتضی. **القرآن الکریم و روایات المدرستین**. بیروت: شرکة التوحید للنشر، ۱۴۱۷ ق.

۲۴. فتاحی زاده، فتحیه. **مبانی و روشهای نقد حدیث در کتب اربعه**. قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۵ ش.

۲۵. کاظمی خراسانی، محمّدعلی. **فوائد الاصول**. تحقیق: ضیاءالدین عراقی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. کلانتری، علی‌اکبر. **نسخ حدیث، امکان و محدوده آن**. فصلنامه علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره چهارم (۵۴)، زمستان ۱۳۸۸ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]

۲۷. کلینی، محمّدبن یعقوب‌بن اسحاق. **الکافی**. تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.

۲۸. مامقانی، عبدالله. **مقباس الهدایه فی علم الدرایه**. تحقیق: محمّدرضا مامقانی، قم: مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ ق.

۲۹. مجلسی، محمّدباقر. **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**. اخراج و مقابله و تصحیح: سیّد جعفر حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.

۳۰. مجلسی، محمّدتقی. **لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه**. قم: اسماعیلیان (دارالتفسیر)، ۱۴۱۴ ق.

۳۱. محقق داماد، سیّد مصطفی. **مباحثی از اصول فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

۳۲. مسعودی، عبدالهادی. **روش فهم حدیث**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶ ش.

۳۳. مسلم، ابن حجاج قشیری نیشابوری. **الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم**. بیروت: دارالمعرفة.

۳۴. مشکینی، علی. **اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها**. قم: دفتر نشر الهادی، ۱۴۲۸ ق.

۳۵. مظفر، محمّدرضا. **اصول الفقه**. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق.

۳۶. معارف، مجید. **شناخت حدیث (مبانی فهم متن ـ اصول نقد سند)**. تهران: نبأ، ۱۳۸۸ ش.

۳۷. معرفت، محمّد هادی. **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۸ ق.

۳۸. منتظری، حسینعلی. **نهایة الاصول**. قم: القدس.

۳۹. نسائی، ابی‌عبدالرحمن احمدبن شعیب. **السنن الکبری**. تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری و سیّد کسروی حسن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۴۰. نیشابوری، ابی‌عبدالله محمّدبن عبدالله. **کتاب معرفة علوم الحدیث**. تصحیح و تعلیق و تحقیق: سیّد معظم حسین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۷ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.3.4]